

گزارشی از گردهمایی ایرانیان ساکن بلژیک در برابر سفارت حکومت اسلامی ایران -

شنبه ۱۳ اکتبر ۲۰۱۸ - از ساعت ۱۴ تا ۱۶.

این برنامه با شرکت تعدادی از ایرانیان جمهوری خواه با گرایش جدایی دین از همه عرصه های قانون و دولت و هواداران سرنگونی کامل رژیم کنونی تهران برگزار شد.



- نخست در آغاز برنامه آهنگ های یاران را چه شد از استاد شجریان و اند اندک یاران می رسند از شهرام ناظری پخش شد.
- سپس آقای داوود احمدلو، مسئول دوره ای جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران - شاخه بلژیک، به عنوان مجری برنامه به حاضرین خوش آمد گفت و برنامه را شرح داد و به اهداف این گردهمایی اشاره کوتاهی کرد. ایشان چندین شعار به زبان های پارسی، فرانسوی، هلندی و انگلیسی داد که حاضرین نیز با او همراهی کردند. همه شعارهای داده شده در گردهمایی، در پایان این گزارش آمده است.



- آقای کاوه آهنگری، فعال سیاسی، نخستین سخنران برنامه بود که به یافتن رمز اتحاد بین نیروهای ملی و میهنی کشور اشاره کرد و آرزو نمود که احزاب مترقی ایرانی بتوانند آدرس درست اتحاد و اقدام های مشترک را پیدا کنند و یک پارچه در نابودی جمهوری اسلامی در ایران بگوشند. ایشان از اقدام های اخیر در کردستان و دیگر نقاط ایران نیز سخن گفت.



- پس از چندین شعار و پخش موسیقی، نوبت سخنرانی آقای حسن ماسالی، از مبارزان دیرین و شخصیت ملی و چپ و از اعضای فعال کنفدراسیون دانشجویان ایران در خارج کشور رسید. ایشان که به عنوان یکی از موسسین و اعضای شورای مرکزی حزب جدید التاسیس آرا سخن رانی می کرد، اپوزیسیون راستین و جمهوری خواه و پراکنده را به اتحاد فرا خواند و گفت تا زمانی که این اتحادها بر حول برنامه ها و خواسته های مشترک مردم، از قبیل سرنگونی، دموکراسی و جدایی دین و دولت صورت نگیرد، هیچ حزبی، هر چند مقتدر، نخواهد توانست به تنهایی بر این رژیم پیروز شود. او افزود که دیگر وقت مبارزه در اینترنت و گروه های مجازی گذشته است و باید به عنوان پشتیبانان حرکت های مردم داخل کشور، در

خارج کشور فعالیت

فیزیکی داشت و صدای
مردم ایران را به گوش
جهانیان رساند و
کشورهای اروپایی را از
همکاری با رژیم
فاشیستی و آدم کش
ایران، باز داشت.



- در این بخش از برنامه بازهم شعار داده شد و آهنگ ای ایران، ای وطن، از زنده یاد محمد نوری پخش شد و آقای داوود احمدلو که عضو حزب آرا نیز می باشد، بیانیه بخش زنان حزب آرا را برای حضار خواند.

- آن گاه نوبت شعر خوانی آقای جلیل حسینی، یکی از همراهان جنبش جمهوری خواهان



دموکرات و لائیک ایران - شاخه بلژیک رسید و سروده هایی را در پشتیبانی و در ستایش خانم نسرين ستوده و ديگر زندانيان سياسي و براي سرنگوني رژيم بيان کرد و همچنين بيانیه نه به اعدام، «شبکه همبستگی با حقوق بشر در ایران»، به مناسبت دهم اکتبر، روز نه به اعدام را خواند.

- پس از سر دادن چندین شعار، آقای محمد

رضا روحانی، عضو کانون وکلای ایران در پشت تریبون قرار گرفت و از همکاران خود که در برابر رژیم عقب مانده و قانون شکن، پایداری کرده و به زندان می افتند و اذیت و آزار می شوند، سخن گفت. ایشان گفتند که نسرين ستوده ها، مهرانگیز کار ها و شیرین عبادی ها، زنان وکلای آگاهی هستند که برای ما وکلا و مردم ایران افتخار آفرینند. آقای روحانی در مذموم و رد عمل اعدام دولتی در ایران گفتند که همه اعدام های ایران را باید قتل در ایران و آمران و عاملان آن ها را قاتل نامید، زیرا در باره هیچ یک از کشته شدگان، دادگاه راستین با داشتن حق وکیل برای متهمین تشکیل نمی شود و ماموران وزارت اطلاعات، در زیر شکنجه از همه آنان اعترافات دروغین و دلخواه خود را می گیرند و بدین ترتیب جوانان بی گناه مملکت ما را به دار می آویزند.



- در این هنگام، آقای غلام عسگری، کارگر مبارز و پناهنده در بلژیک، رو به شرکت کنندگان و خطاب به مردم ایران و به ویژه به کارگران ایران گفت: عزیزان من که در سرتاسر ایران در

کارخانه ها و کارگاه ها و مدرسه ها و کشتزارها مشغول به کارید و یا با مدارک لیسانس و دکترا بیکارید و در زیر فشار تورم و گرانی نای نفس کشیدن ندارید و سردمداران حکومتی و فرزندانشان مشغول چپاول و دزدی و فرار از کشورند. همه ما یک راه چاره، بیش نداریم و آن هم وحدت کارگران با دیگر آحاد زحمتکش و نیروها و احزاب ملی و مترقی کشور ایران، چه احزاب سراسری و چه احزاب منطقه ای و محلی است. باید اختلافات را کنار گذاشت و دست در دست هم داد و با



اعتصاباتی مانند اعتصابات کارگران نیشگر هفت تپه و مبارزات معلمان و مقاومت ملیت ها این حکومت ننگین بشریت را به زیر کشید.

پس از سخنان آقای عسگری و بیان چند شعار به زبان های گوناگون، آهنگ معروف « زندانی ای هر دم در یاد» پخش شد و سپس آقای داوود احمدلو بیانیه ای از سوی شاخه بلژیک به زبان فرانسوی در معرفی و پشتیبانی خانم نسرین ستوده خواند.

● خانم فریبا امیرخیزی، از سازمان زنان هشت مارس ایران - افغانستان سخنرانی پرشوری را

در دفاع از زنان و کارگران... ایراد کرد. او به اعدام زینب سکانوند اشاره کرد که در هنگام دستگیری ۱۷ سال بیش نداشت و از او اعترافات دروغین گرفته شده بود. خانم امیر خیزی نابرابری های فاحش زنان در جامعه ایران را به شدت محکوم کرد و در پایان سخنرانی خود، با شعارهای تکان دهنده و کوبنده علیه رژیم، حاضران را به وجد آورد.



در این قسمت بار دیگر آقای جلیل حسینی سروده دیگری را خواند.

● در بخش پایانی سخنرانی ها، آقای انور میرستاری، یکی دیگر از همراهان جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران - شاخه بلژیک، بیانیه برگزار کنندگان برنامه در پشتیبانی از مبارزات کارگران و حق داشتن سندیکاها کارگری در ایران را خطاب به سندیکاها جهانی خواند و هم چنین از مبارزات و اعتصابات کامیونداران و معلمان کشور پشتیبانی کرده و گفت که ما زمانی نیم درصدی به حساب می آمدیم، اما در اثر تلاش ها و تحمل زندان ها و شکنجه ها و از دست دادن بهترین فرزندان این آب و خاک توانسته ایم، آگاهی خود و مردم

را بالا ببریم، به طوری که امروز اتحادها در بین احزاب صورت می گیرد و حکومتگران به نیم درصد در جامعه تبدیل شده اند و به سرنیزه های خود تکیه زده اند و چیزی از عمر شیشه ای و شکستنی آنان باقی نمانده است. چند شعار در حمایت از زندانیان سیاسی و سرنگونی دیکتاتوری در ایران و آهنگ و سرود «ای ایران» پایان بخش این حرکت بخش کوچکی از اپوزیسیون ایرانی در بلژیک بود.



پایان

- آزادی، آزادی، این است حرف ملت!
- آزادی، آزادی، این حرف هر ایرانی!
- آزادی، آزادی، این حق هر ایرانی!
- اتحاد، مبارزه، پیروزی
- کارگر، معلم، دانشجو، اتحاد، اتحاد!
- کارگر، کارگر اعتصاب، اعتصاب
- کارگر زندانی آزاد باید گردد!
- کارگر، معلم، دانشجو، اعتصاب، اعتصاب
- زندانی سیاسی درود ایران بر تو باد!
- زندانی سیاسی درود ما بر تو باد!
- زندانی سیاسی حمایت می کنیم.
- زندانی سیاسی، به همت توده ها، آزاد باید گردد!
- دانشجو، دانشجو حمایت می کنیم

ای ملت آزاده، حمایت ! حمایت ! ●
خامنه ای دیکتاتور، دیکتاتور ●
خامنه ای سرنگون، سرنگون ●
دیکتاتور سرنگون، سرنگون! ●
استبداد سرنگون، سرنگون! ●
رژیم زن ستیز، سرنگون، سرنگون! ●
اصلاح طلب، اصول گرا، دیگه تمومه ماجرا، ●
دانشجو، کارگر: اتحاد، اتحاد! ●

Khamenei: Dictateur! Dictateur!
A Bas Dictateur en Iran!
Liberté en Iran
Démocratie en Iran
Dictature en Iran, Non, Non!
Dictature islamique, Non! Non!
Démocratie, Démocratie, Oui, Oui!
Droits de l'Homme en Iran!
Droits de femme en Iran!
Droits de l'Homme, en Iran, Oui, Oui!
Droits du travail, en Iran, Oui, Oui!
Homme, Femme, Egalité en Iran!
Khamenei, Dictateur! Dictateur!
Khamenei, Assassin! Assassin!
Liberté en Iran!
République islamique, Non! Non!
Libérez les prisonniers politique en Iran!
Iran Solidarité!
Solidarité Internationale
Halte, Halte, Halte ==> Halte les massacres en Iran!
Halte, Halte, Halte ==> Halte l'exécution en Iran!

English

What do we want, Democracy
Political prisoner, in Iran // must be free, must be free
Suprim leader shame on you, shame on you
Khamenei, killer of his own people!
Iranian nuclearisation = Direct pass for another Hiroshima
Freedom of political and opinion prisoners in Iran
Respect the Human Rights!
Stop Violence In IRAN!

Néederlind

Neen Neen Dictatuur in Iran
Iran Solidariteit
Democratie, Democratie voor Iran

Khamenei, Dictator
Gelijkheid, Vrijheid voor Iran
Stop Stop ophangen in Iran

Placards:

Libérez les prisonniers politiques en Iran!
Libérez les militants ouvriers en Iran!
Libérez les militants étudiants en Iran!
Libérez les militantes femmes en Iran!
Libérez les militants enseignants en Iran!
Non à l'ingérence des USA en Iran!
Non à la menace de guerre des USA en Iran!
Save lives of political prisoners in Iran
Freedom of political and opinion prisoners in Iran
Respect the Human Rights!
Stop Violence In IRAN



اعدام یک قتل عمد دولتی است، نه به اعدام!

امروزه بیش از ۱۷۰ کشور در جهان، مجازات اعدام را از قوانین جزائی خود حذف کرده اند، اما جمهوری اسلامی یکی از معدود رژیم‌هایی است که نه تنها لکه ننگ این مجازات غیرانسانی را بر پیشانی دارد، بلکه شلاق زدن که مصداق بارز شکنجه است و بریدن دست و پا، کورکردن و سنگسار کردن انسان را در قوانین جزائی خود گنجانیده است.

جمهوری اسلامی از ابتدا اعدام و سرکوب مخالفان، منتقدان، معترضان، دگراندیشان و آزادیخواهان را وسیله بقای خود قرار داده است و طی ۴۰ سال گذشته دهها هزار نفر را تحت اتهام ارتکاب به جرمهای جنایی و سیاسی شکنجه و اعدام کرده است. رژیم جمهوری اسلامی در کشتار هولناک دسته جمعی زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ که نمونه ای از مصداق بارز "جنایت علیه بشریت" است، حدود پنج هزار زندانی سیاسی را به قتل رسانید.

چرخ ماشین اعدام این رژیم در تمام این سال‌ها همیشه در حرکت بوده است و در هفته‌های اخیر نیز علیرغم درخواست مجامع حقوق بشری جهانی و ایرانی، چندین نفر و از جمله سه جوان کرد؛ رامین حسین پناهی، زانیار مرادی و لقمان مرادی را بدون برخورداری از یک دادگاه عادلانه و دفاع از خود، با وقاحت تمام به قتل رسانید.

اعدام کودکان که حین ارتکاب جرم هنوز به سن قانونی نرسیده بودند، یکی دیگر از وحشتناک‌ترین اشکال به قتل رساندن در حکومت جمهوری اسلامی است. زینب سکانوند، زنی که متهم است در هفده سالگی مرتکب قتل شده است، سه شنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۷ در ارومیه به دار آویخته شد. خبرها حاکی از این است که می‌خواهند معترضان صنفی را نیز با اتهاماتی مانند افساد فی الارض به پای دار ببرند.

طبق گزارش عفو بین الملل در ژانویه ۲۰۱۸، جمهوری اسلامی در سال گذشته صدها نفر را که در دادگاه های ناعادلانه "محکوم" شده بودند، اعدام کرده است. طبق آمار سازمان ملل، در ایران در سال ۲۰۱۷ تا نوامبر، حداقل ۴۷۶ نفر اعدام شده اند و بر اساس گزارش دیدبان حقوق بشر در سال ۲۰۱۸، تا ۴ سپتامبر ۱۷۹ نفر اعدام شده اند. عفو بین الملل اطلاع میدهد که به غیر از کشور چین، ۸۴ درصد از اعدام های دنیا تنها در چهار کشور ایران، عربستان سعودی، عراق و پاکستان رخ میدهند.

واقعیت تلخ این است که اعتراضات مسالمت آمیز علیه بازداشت های خود سرانه، شکنجه و اعدام حکومتی، به عناوین مختلف، از جمله " اعدام غیر اسلامی" سرکوب شده و ابراز هرنوع نظر انتقادی به مقدسات مذهبی، تحت عنوان " اهانت به پیغمبر" و " دشمنی با خداوند"، با کیفر اعدام روبرو میشود.

سال هاست که بسیاری از گروه ها و فعالان سیاسی و اجتماعی و خانواده های آسیب دیده و دادخواه از دهه ی شصت تا کنون در ایران و خارج از کشور برای لغو مجازات اعدام پیگیرانه تلاش می کنند. در سالهای اخیر نیز گروه های مختلفی در ایران و خارج از کشور برای حذف کامل قانون مجازات اعدام فعالیت می کنند که می توان از مادران پارک لاله ایران و حامیان حرکت های دادخواهانه در کشورهای مختلف به عنوان فعال ترین این گروه ها نام برد که از سال ۱۳۸۸ شروع به فعالیت کرده اند و پیگیرانه علیه لغو مجازات اعدام در ایران و در اعتراض به احکام اعدام فعالان سیاسی و اجتماعی تلاش می کنند و یکی از سه خواسته اصلی شان لغو مجازات اعدام است. کمپین «لگام» برای لغو گام به گام اعدام در ایران نیز در آذرماه ۱۳۹۲ شروع به کار کرده است.

سازمان های بین المللی حقوق بشری نیز علیه لغو مجازات اعدام و اعدام های فراقضایی و ناعادلانه تلاش می کنند و می توان از عفو بین الملل به عنوان یکی از فعال ترین این گروه ها نام برد.

در هفته های اخیر، پس از حادثه مسلحانه در حین مراسم رژه نیروهای نظامی در اهواز در ۲۲ سپتامبر (۳۱ شهریور ۱۳۹۷)، صدها نفر شهروند ایرانی را زندانی و تحت شکنجه قرار داده اند. ما هشدار میدهم که در تشدید فضای امنیتی و سرکوب، امکان اعدام تعدادی از دستگیرشدگان در دادگاههای دربسته و بدون حضور وکیل مدافع وجود دارد.

ما امضاء کنندگان این بیانیه، ضمن تأکید بر خواسته های خود مبنی بر «لغو مجازات اعدام و آزادی تمامی زندانیان سیاسی-عقیدتی»، برخورد های امنیتی و خشونت بار با دستگیرشدگان وقایع اخیر در اهواز و سایر مناطق ایران را محکوم می کنیم و از تمامی جوامع حقوق بشری و نهادهای بین المللی تقاضای همراهی در افشای سیاست های غیر انسانی و ضد حقوق بشری رژیم جمهوری اسلامی را داریم.

بی تردید با مبارزه متحد و متشکل مدافعان حقوق بشر و فعالان سیاسی و اجتماعی است که میتوان ماشین زندان و شکنجه و اعدام جمهوری اسلامی را متوقف ساخت.

شبکه همبستگی برای حقوق بشر در ایران
اکتبر ۲۰۱۸

بیانیه شاخه زنان حزب آرا

شاخه زنان حزب آرا، بر این باور است که ما زنان ایران می توانیم دوشادودوش و دست در دست با مردان آزاده سرزمین مان، بر سلطه این حکومت چهل ساله زن ستیز و دشمن آزادی و برابری پایان ببخشیم. آری، آری، ما می توانیم ریشه اهریمنان و کژاندیشانی را که

وطنمان را به گروگان گرفته اند، بخشکانیم و بر دیکتاتوری و بربریت پیروز شویم.

امروزه زنان کشورمان به آن درجه ای از آگاهی رسیده اند که به آشکارا و در خیابان ها، حجاب از سر برمی گیرند و به جنگ فرهنگی با بی فرهنگ ها می روند.

زنان در تمام سنگرهای مقاومت برای کسب آزادی و برابری و عدالت اجتماعی در کنار مردان آگاه هستند و به مبارزه خود ادامه می دهند.

زندان ها انباشته از زنان سیاسی و مبارزان برابر حقوقی است. زنان عادی و غیر سیاسی هم به جرم های اعتراض به ازدواج های اجباری، کتک خوری از شوهران و فقر مادی از خانه و کاشانه خود فرار می کنند و به تن فروشی روی می آورند یا در دام باندهای تبهکار و مافیایی قاچاق مواد مخدر می افتند که سرانجام سر از زندان در می آورند و خیلی از آنان به دار آویخته می شوند و قربانی سیاست های نادرست رژیم فاسد می گردند.

ما باید از زنانی مانند مادران زنده یادان ستار بهشتی، رامین حسین پناهی، زانیار، فرزاد کمانگر و به ویژه از مادران داغدیده کشتار های خاوران ها و دهه ۶۰ یاد کنیم.

ما باید در برابر نام زنانی مانند نسرين ستوده، نرگس محمدی، آتنا دائمی و ده ها زن آگاه و مبارز دیگری که از افتخارات جهانی ما هستند و امروز در بدترین شرایط در زندان ها به سر می برند، سر تعظیم فرود آوریم که می آوریم.

تمام زنان و مردان ایران و وجدان های آگاه جهان، باید خواهان آزادی نسرين ستوده، وکیل متعهد و برنده جایزه ساخاروف پارلمان اروپا در سال ۲۰۱۲ و نرگس محمدی، یکی از بنیانگذاران سازمان حقوق بشر در ایران و انجمن «نه به اعدام، لگام» و دیگر زنان و مردان در بند باشند. تنها جرم همه زندانیان سیاسی، دفاع از کرامت انسانی و از بین بردن تبعیض ها و نابرابری های فرهنگی، جنسیتی، دینی، قومی، ... و مخالفت با دیکتاتوری است.

ما نه تنها خواستار آزادی اسطوره های مقاومت، همچون نسرين ستوده و نرگس محمدی، در مقابل این بد اندیشان هستیم، بلکه خواهان آزادی و خوشبختی و بهروزی تمام گل های نسرين ستودنی و غنچه های زیبای گل نرگس ایرانیم.

در این مکان، در مقابل یکی از لانه های فساد رژیم ایران و در برابر همه شهروندان حاضر در این همایش، به آزادی سوگند یاد می کنیم که تا آزاد کردن ایران و باز گرداندن آن به صاحبان اصلیش، مردم ایران، هرگز از پای ننشینیم و در این راستا دست یاری به سوی تمام آزاد اندیشان و مبارزان ایران دوست، دراز می نمائیم. یاد آوری می کنیم که هیچ گروه و دسته و حزبی، هرگز نخواهد توانست "روشنائی" را به سرزمین کهن ایران و مهد مهر و دوستی که از جهل رژیم ملایان به تاریکی و غبار فرو رفته است، باز گرداند.

● درود بر نسرين ستوده و همسرش رضا خندان که هر دو در زندان

می باشند و درود بر گل ها و فرزندان نسرین و رضا که دوری آنان را تحمل می کنند.

- درود بر تمام معلمان، استادان، دانش آموزان و دانشجویان و همه آزاد اندیشان در بند این اهریمنان.
- درود بر تمام اقوام و فرهنگ های مختلط ایران که با جانفشانی در پایداری ایران، از جان خود هزینه کردند.
- درود بر کارگران، روزنامه نگاران، وکلا، دراویش و بهایی های زندانی.

پاینده باد ایران آزاد و آباد

Nasrin Sotoudeh, lauréate du Prix Sakharov 2012, de nouveau est en prison Evin. Mais cette fois, son mari, Reza Khandan aussi.

Nasrin Sotoudeh, est une avocate iranienne, spécialiste des Droits Humains. Elle défendait, avant de sa première arrestation, des prisonniers politiques ainsi que des prisonniers condamnés à la peine de mort pour des crimes commis lorsqu'ils étaient mineurs.



Nasrin Sotoudeh a été arrêtée en septembre 2010 et elle a été condamnée, en janvier 2011, à 11 ans de prison; à cette peine s'ajoute l'interdiction de pratiquer son métier d'avocate, et l'interdiction de quitter l'Iran pour une durée de 20 ans. sous les chefs d'accusation suivants : diffusion de propagande et conspiration mettant en danger la sécurité de l'État.



En 2012, avec Jafar Panahi, elle remporte le Prix Sakharov du Parlement européen pour la liberté de l'esprit qui récompense des personnalités exceptionnelles qui luttent contre l'intolérance, le fanatisme et l'oppression.

La santé de Nasrin Sotoudeh, déjà affaiblie à la suite de ses précédentes grèves de la faim, s'est encore détériorée.

Nous avertirons le régime iranien qui est le responsable directe de la sécurité et la santé de Madame Nasrin Sotoudeh et des autres.



Le harcèlement et l'arrestation des proches de prisonniers dans le seul but de les contraindre à cesser leur action publique sont assimilables à des représailles, et enfreignent donc l'obligation de protéger la liberté d'expression qui incombe à l'Iran en tant qu'État partie au Pacte international relatif aux droits civils et politiques (PIDCP).

Madame Sotoudeh est une prisonnière d'opinion et doit par conséquent être libérée immédiatement et sans condition.

Nous exigeons la libération immédiate et inconditionnelle de Nasrin Sotoudeh, emprisonnée uniquement pour avoir exercé pacifiquement ses droits à la liberté d'expression et d'association, notamment à travers son travail d'avocat, ainsi que la libération d'autres prisonniers politique

La liberté syndicale mise à mal en Iran

Par rapport aux travailleurs et syndicalistes iraniens et leur situations actuel, le mouvement syndical ouvrier iranien, datant d'un siècle, s'est toujours senti comme un membre indissociable de la solide famille mondiale des travailleurs.

Malheureusement, en raison de non respect des droits des ouvriers et du droit à la liberté d'association indépendante en Iran, plusieurs représentants du monde ouvrier iranien sont en prison et sous la torture et leurs famille sont sans abris sociaux, sans protections et sans revenus à nourrir leurs enfants. Elles sont menacées et sous la tention et répression à ne pas parler de la situation de leurs prisonniers avec les médias. Le gouvernement actuel iranien ne reconnaît pas le droit de la liberté et souveraineté des mouvements syndicaux, comme prévu par les conventions internationales 87, 98 de l'organisation internationale du travail. Le régime refuse à s'engager à l'exécution de ces obligations malgré qu'il ait apposé sa signature aux dites conventions.



Le syndicat des ouvriers d'Iran s'est vu interdire toutes ses activités peu après la révolution islamique en 1979. Le syndicat fut alors remplacé par une autre organisation étatique, au nom de «Association Islamique des Ouvriers» qui est une organisation d'idéologie islamique afin de récolter des informations des ouvriers à les dénoncer chez le service secret de la ministère de l'Information en but de les licencier ou arrêter.

Tous les ouvriers syndicalistes d'Iran, sollicitent tous les syndicalistes du monde, par la solidarité, de ne pas être indifférents par rapport à la violation du droit syndical en Iran, et de protester contre le gouvernement iranien afin qu'il reconnaisse officiellement et pratiquement ce droit fondamental.

Nous attendons, aussi, aux organisations internationales de travailleurs de ne pas accorder de représentation aux délégués syndicaux de l'Association Islamique des Ouvriers et d'autres envoyés par le régime iranien.

Nous exigeons la libération de tous les prisonniers politique en Iran.

